

قربانیان كوچك!

افشین ندیمی

یکشنبه دوازدهم آبان ۱۳۸۷

کودکان کار، قربانیان خاموش وبی دفاع جامعه، قربانیان اصلی تضادهای طبقاتی، نخستین قربانیان نظام سرمایه داری، قربانیان جنگ، فقر، بیماری، نابرابری و در يك کلام نخستین قربانیان بی عدالتی هستند.

کودکان در جوامع سرمایه داری با تمام وجود مورد تعرض قرار می گیرند و به طور کلی از اساسی ترین حقوق خود محروم هستند. در نظام سرمایه داری ایران هیچ يك از شرایطی که کنوانسیون دفاع از حقوق کودکان برای آنها گذاشته است رعایت نمی شود. بعضا کودکان در جوامع سرمایه داری نه امنیت دارند و نه در رفاه به سر می برند و درست برعکس به جای امنیت و رفاه، فقر و گرسنگی، بیماری ایدز، خشونت، آزار جسمی و جنسی، اعتیاد و قاچاق کودکان و صدها درد ورنج دیگر هرروز بیشتر از پیش سایه شومش را بر زندگی آنها می گستراند و آنها را تهدید می کند.

ما امروزه شاهد آماری وحشتناک از کودکان کار و خیابانی هستیم که واقعا تاسف بار است طبق آماری که نهادهای مدافع حقوق کودکان از کودکان کار و خیابانی اعلام کرده اند ما تعداد ۳۵۲۰۰۰۰۰۰ نفر کودک کار و خیابانی در سطح جهان داریم که از این تعداد ۲۵۲۰۰۰۰۰۰ نفر آنها کودک کار هستند و از این تعداد کودک کار، ۱۷۱۰۰۰۰۰۰ نفر آنها در شرایط سخت مشغول کار هستند. به طور کلی پنجاه و شش درصد از کودکان کار و خیابانی از داشتن سواد خواندن و نوشتن محروم هستند و از ۲۵۲۰۰۰۰۰۰ نفر کودک کاری که در سطح جهان وجود دارد ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ نفر آنها در آسیا، ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ نفر در آفریقا، ۱۷۰۰۰۰۰۰۰ نفر در آمریکا و بقیه در اروپا و استرالیا زندگی میکنند.

زندگی که نمی توان گفت چون این زندگی نیست باید بگویم که زنده هستند و از همه اینها وحشتناک تر آماری است که در مورد بیماری های کودکان خیابانی داده اند طبق این آمار ۷۳٪ آنها به بیماری چشم و ۶۴٪ به بیماری های قلبی و ۶۱٪ به بیماری تنگی نفس و ۴۸٪ به بیماری های پوستی مبتلا هستند. به طور کلی همه آنها از بیماری های روحی و روانی رنج می برند.

ما اگر بخواهیم علت این امر را پیدا کنیم باید به فقر رجوع کنیم حال تعریفی داشته باشیم از فقر. فقر یعنی جمع شدن ثروت در دست عده ای قلیل و محروم ماندن اکثریت از آن و این را نیز می دانیم که کوه ثروت به قیمت نابودی و فلاکت اکثریت بالا می رود و گر نه هیچ کدام از این کودکان مادرزاد کودک کار نیستند، هیچ يك از آنها از همان آغاز کودکی بزهار، معتاد، کودک خیابانی و یافارس، عرب، مسلمان و یا یهود نیستند. همه آنها پاك هستند وبی گناه، این نظم سرمایه است که همه چیز را به او تحمیل می کند. سرمایه داری و دولتهایشان آنها را روانه کارگاه ها و خیابان ها میکنند این نظام سرمایه داری است که با ایجاد يك شکاف عظیم طبقاتی او را کودک کاربارمی آورد. این تضادهای طبقاتی حاکم بر جامعه است که او را کارگر بارمی آورد. در حالی که کارحرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است. اگر سرمایه داران فقط برای چند دقیقه فکر خود را از حرص و طمع و پول پرستی پاك کنند و به کار کودکان در

جامعه بیندیشند متوجه بی عدالتی بزرگی در حق کودکان یعنی ضعیف ترین قشر جامعه می شوند که واقعا غیر انسانی است. اگر بخواهیم درباره کودکان کار بگوییم دیگر فکر کردن نمی خواهد چیزی است که باید آن را ببینیم و این دیدن کار کودک برای ما به چیزی عادی تبدیل شده است و همین که کودک توانست رو پای خود بایستد و راه برود باید کار کند. در حالی که کار حرفه ای برای کودکان ممنوع است ما میلیون ها کودک را در کارگاههای بزرگ و کوچک میبینیم که سخت مشغول کار هستند. میلیونها کودک را در گوشه و کنار خیابانها میبینیم که سرگردان و بی پناه هستند. هزاران کودک دیگر را میبینیم که به جرم بزهکاری زندگی خود را در پشت میله های سرد زندان به سر می برند و به انتظار پایان دوره محکومیت خود نشسته اند. در حالی که باید نظام سرمایه داری را محکوم کرد که با ایجاد تضادهای طبقاتی او را از دستیابی به اساسی ترین نیازها منع می کند. از دستیابی به مسکن، غذا، امنیت، تفریح و رفاه. این تضادهای طبقاتی حاکم بر جامعه است که او را گرسنه می گذارد تا او به خاطر زنده ماندن به کارهای سخت و طاقت فرسایی که بزرگترها نیز از انجام آن خودداری می کنند تن دهد و یا برای سیر شدنش به دزدی تن دهد و دولت او را به جرم دزد و بزهکار روانه زندان کند. حال سوال ما از دولت این است؛ در این جهان پر از نعمات مادی چرا کودکان باید در فقر بمیرند؟ مگر ایران کشوری ثروتمند نیست، مگر ایران از لحاظ استخراج نفت در رتبه سوم جهان نیست و در استخراج گاز در رتبه دوم جهان و یا در تولید میوه در رتبه هشتم جهان نیست؟ دهها دلیل دیگر که به ما ثابت می کند که ایران يك کشور ثروتمند است. پس حاصل همه اینها کجا می رود که فقر در ایران بیداد می کند؟ خرج جامعه می شود یا توزیع ثروت بر کفه ترازوی بی عدالتی است و جیب عده ای انگل صفت سرمایه دار می رود و اکثریت جامعه فقیر می مانند و این فقر مانع رشد و تحقق تمام استعدادهای کودکان می شود و فقط آنها را کارگر بار می آورد.

دولت بجای آموزش حسن تفاهم، آزادی و برابری و احترام به عقاید مخالف و....! آنها را با انواع آپارتاید جنسی، نژادی، قومی و زورگویی و مواد مخدر و کارهای ناشایست در خیابان ها آشنا میکنند. پس وقتی مقصر اصلی نظام سرمایه داری حاکم بر جامعه است. چرا کودکان بی گناه به جرم های مختلف باید تا سن ۱۸ سالگی در زندان باشند و بعد از آن آنها را با طناب اعدام و قصاص و سنگسار محاکمه کرد. تنها راه نجات این قربانیان کوچک از این قهقرا ایجاد تشکل های مستقل مردمی با حضور خود کودکان و همچنین به اجرا درآمدن قوانین کنوانسیون های جهانی حقوق کودک و کارگر و تغییر دادن دیدگاه جامعه نسبت به کودکان کار و خیابانی و همچنین جبران ناتوانی خانواده ها برای تامین زندگی کودکان.

پس بیائید همه با هم به نجات این قربانیان کوچک بیندیشیم.

زنده باد سوسیالیسم

افشین ندیمی

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

<http://www.komitteyehamahangi.com/>

komite.hamahangi@gmail.com